



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد صفاشهر

گروه علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

در رشته حقوق گرایش خصوصی

عنوان:

وضعیت مالکیت سلول‌های بنیادی خون بند ناف از منظر فقه و حقوق

استاد راهنما:

دکتر غلام‌رضا عارفیان

نگارنده:

مریم فخار

تابستان ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسن، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.

۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و

اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.

- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.

۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.

- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب مریم فخار به شماره دانشجویی ۹۷۰۱۴۷۱۷۵ دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش خصوصی که در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ از پایان نامه خود تحت عنوان « وضعیت مالکیت سلول های بنیادی خون بند ناف از منظر فقه و حقوق » با کسب نمره کل (مجموع نمره دفاع و مقاله) به حروف شانزده و نیم و به عدد ۱۶/۵۰ دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- (۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- (۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- (۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- (۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

مریم فخار

تاریخ و امضاء

۹۹۷/۲۰



باسمه تعالی

صورتجلسه دفاع از پایان نامه

نام و نام خانوادگی: مریم فخار شماره دانشجویی: رشته و گرایش: حقوق خصوصی (کارشناسی ارشد)
 عنوان: وضعیت مالکیت سلول های بنیادی خون بند ناف از منظر فقه و حقوق
 تعداد واحد پایان نامه: ۶

عصاره هـ - - داور بی پایان نامه

تاریخ و امضاء	نام و نام خانوادگی	سمت
	غلامرضا عارفیان	استاد راهنمای اول
	فاطمه زارعی	استاد داور ۱
	مهدی مفاهی	استاد داور ۲
	غلامرضا عارفیان	ناظر

دفاع از پایان نامه در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ و ساعت با حضور اعضای هیات داوران به شرح فوق برگزار و رأی نهایی در خصوص ارائه دفاعیه به شرح ذیل ارائه گردید.

پایان نامه مورد قبول است	پایان نامه با اصلاحات مورد قبول است	پایان نامه مورد قبول نیست
۱	۱	۱
نمره (از ۱۸) به عدد/حرف ۱۴۵ --- به تصویب رسید		
نمره حاصل از ارزشیابی مقاله/مقالات دانشجو بر اساس ضوابط (تاسف ۲ نمره) برابر --- محاسبه و نمره نهایی دفاع از پایان نامه (مجموع نمره دفاع و مقاله) با درجه --- و با عدد/با حروف --- تعیین گردید.		

مدیر گروه آموزشی	رئیس دانشکده	مدیر پژوهش دانشکده / معاون پژوهش و فناوری واحد
تاریخ / امضاء	تاریخ / امضاء	تاریخ / امضاء

تقدیر و تشکر:

اکنون که این پژوهش به زیور چاپ آراسته می‌گردد بر خود لازم می‌دانم تا طبق سنت حسنه والاترین مراتب سپاس خویش را به محضر استادان و آموزگاران فرزانه‌ای که در طول تحصیل همواره افتخار شاگردی آنان را داشته و مرا مرهون الطاف و عنایت خود قرار داده‌اند اعلام دارم.

از این رو بر خود واجب می‌دانم که از استاد فرزانه و گرانقدرم جناب آقای دکتر غلامرضا عارفیان که با راهنمایی‌های سودمند و بی‌دریغشان مرا بی‌وقفه حمایت کردند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

و همچنین از اساتید بزرگوارداور جناب آقای دکتر مفتاحی و سرکارخانم دکتر زارعی که زحمت داوری پایان نامه را بر عهده داشتند نهایت سپاسگزاری را دارم برای همه این عزیزان آرزوی توفیق روزافزون دارم.

تقدیم به:

تقدیم به همسرم به پاس قدردانی از قلبی آکنده از عشق و معرفت که محیطی سرشار از سلامت و امنیت و آرامش و آسایش برای من فراهم آورده است.

و

تقدیم به روح فرزندان عزیزم، سارا و سهیل که زود هنگام پرواز کردند!

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
چکیده	۱
فصل اول:مقدمه	۲
۱-بیان مسأله	۵
۲-ضرورت تحقیق	۹
۳-پیشینه تحقیق	۱۰
۴-اهداف تحقیق	۱۴
۵-سؤال‌های تحقیق	۱۵
۶-فرضیه های تحقیق	۱۵
۷-روش تحقیق	۱۶
۸-ساختار تحقیق	۱۶
فصل دوم: مفاهیم، کلیات و تاریخچه	۱۷
مبحث اول: موضوع شناسی بانک خون بند ناف	۱۸
گفتار اول:خون	۱۸
گفتار دوم:اجزای خون	۱۸
بند اول:پلاσμα	۱۹
بند دوم:سلول‌های خونی	۱۹
گفتار سوم: بند ناف	۲۰
بند اول: مفهوم خون بند ناف	۲۲
بند دوم: سلول های بنیادی خون بند ناف	۲۴
مبحث دوم: بررسی اخلاقی و اجتماعی بانک خون بند ناف	۲۶
گفتار اول: بررسی اخلاقی بانک خون بند ناف	۲۶
بند اول: راهنمای اخلاقی مرتبط با به کارگیری سلول‌های بنیادی در ایران	۳۰
الف) راهنمای اخلاقی پژوهش با سلول‌های بنیادی	۳۰
ب) راهنمای اخلاقی پژوهش بر گامت و رویان	۳۰
ج)راهنمای اخلاقی پژوهش‌های ژنتیک پزشکی	۳۱

گفتار دوم: بررسی اجتماعی بانک خون بند ناف	۳۳
مبحث سوم: فواید و مضرات استفاده از خون بند ناف در مقایسه با مغز استخوان	۳۴
گفتار اول: مزایای استفاده از خون بند ناف در مقایسه با مغز استخوان	۳۴
گفتار دوم: معایب استفاده از خون بند ناف در مقایسه با مغز استخوان	۳۷
بند اول: هزینه ذخیره سازی و نگهداری نمونه خون بند ناف	۳۹
مبحث چهارم: تاریخچه خون بند ناف	۴۰
گفتار اول: اولین پیوند خون بند ناف	۴۰
بند اول: تأسیس اولین بانک خون بند ناف	۴۰
بند دوم: وضعیت کنونی بانک خون بند ناف در جهان	۴۲
بند سوم: وضعیت بانک خون بند ناف در آسیا	۴۲
بند چهارم: وضعیت بانک خون بند ناف در ایران	۴۲
بند پنجم: بانک خون بند ناف	۴۳
فصل سوم: موضوع شناسی مالکیت بانک خون بند ناف از دیدگاه فقهی	۴۴
مبحث اول: دیدگاه فقهی	۴۵
گفتار اول: دلایل مالکیت مادر بر خون بند ناف	۴۵
گفتار دوم: دیدگاه فقهی مبنی بر جواز فناوری سلول های بنیادی	۴۸
بند اول: اصل اباحه و قاعده حلیت	۴۸
گفتار سوم: ادله مختلف مالکیت انسان بر اعضا و سلول های خود	۴۸
مبحث دوم: دیدگاه فقهی در حرمت فناوری سلول های بنیادی	۵۱
گفتار اول: حرمت تغییر در آفرینش الهی	۵۱
مبحث سوم: مالکیت خون بند ناف	۵۲
گفتار اول: احتمال نخست مالکیت مادر	۵۳
گفتار دوم: مالکیت طفل	۵۳
گفتار سوم: دیدگاه احتیاطی	۵۴
گفتار چهارم: نوع مالکیت یا سلطه انسان بر اعضا و خون بدن	۵۴
بند اول: ملکیت ذات اولیه	۵۵
بند دوم: مالکیت حقیقی	۵۵
بند سوم: سلطنت و تسلط	۵۶
بند چهارم: مالکیت اعتباری	۵۷

- گفتار پنجم: ادله سلطه و مالکیت انسان نسبت به خون و اعضای بدن خویش ۵۷
- بند اول: ادله مالکیت یا ماهیت مالکیت ۵۸
- بند دوم: عقلایی بودن سلطنت انسان بر خویش ۵۹
- بند سوم: مالکیت حقیقی به سبب قیام اجزاء به انسان ۶۰
- بند چهارم: سلطه دلیل مالکیت ۶۰
- بند پنجم: نقد دلیل فوق ۶۰
- بند ششم: مالکیت به دلیل تصرف و حق اختصاص ۶۰
- گفتار ششم: اثبات ملکیت به دلیل آیه قرآن ۶۳
- بند اول: مالکیت بر اساس ادله نقلی ۶۳
- بند دوم: نقد استدلال به آیه ۶۴
- گفتار هفتم: ادله عدم مالکیت انسان نسبت به اعضای خودش ۶۵
- بند اول: بررسی سخن قائلان به عدم مالکیت ۶۷
- بند دوم: نقد استشهاد فوق ۶۸
- گفتار هشتم: تبیین دیدگاه فقیهان درباره خون ۶۹
- بند اول: حرمت هر گونه استفاده از خون ۷۰
- الف) آیات قرآن ۷۰
- ب) روایات ۷۲
- ج) اجماع ۷۶
- د) مالیت نداشتن خون ۷۸
- بند دوم: نجاست ۸۳
- گفتار نهم: خرید و فروش بند ناف ۸۵
- بند اول: راههای تصحیح خرید و فروش خون بند ناف ۸۵
- فصل چهارم: موضوع شناسی مالکیت بانک خون بند ناف از دیدگاه حقوقی** ۸۷
- مبحث اول: دیدگاه حقوقی ۸۸
- گفتار اول: سیرقانونی خون بند ناف ۸۸
- گفتار دوم: عقود متصور درباره بانک خون بند ناف ۹۰
- بند اول: عقد وکالت ۹۰
- بند دوم: عقد ودیعه ۹۲
- بند سوم: عقد اجاره ۹۴

الف) ارکان اجاره	۹۵
۱- عقد اجاره	۹۵
۲- متعاقدان (دو طرف عقد اجاره)	۹۶
۳- عوضین	۹۷
بند چهارم: احکام مترتب بر اجاره	۹۸
بند پنجم: تطبیق عقد اجاره بر رابطه بانک خون بند ناف با طرف قرارداد	۹۹
بند ششم: جواز یا عدم جواز تهیه خون بند ناف	۱۰۱
گفتار سوم: جایگاه حقوقی فناوری سلول های بنیادی	۱۰۳
بند اول: جواز استفاده از منابع تهیه سلول های بنیادی	۱۰۳
بند دوم: ایجاد رویان از طریق شبیه سازی درمانی (با روش انتقال هسته سلول)	۱۰۳
بند سوم: رویان های ایجاد شده از طریق IVF یا سایر روش های کمک باروری	۱۰۳
بند چهارم: وضعیت نظام حقوقی ایران در استفاده از فناوری سلول های بنیادی	۱۰۴
بند پنجم: جواز استفاده از منابع تهیه سلول بنیادی در ایران	۱۰۵
بند ششم: ممنوعیت خرید و فروش رویان	۱۰۶
بند هفتم: رویان های سقط شده	۱۰۶
بند هشتم: ثبت اختراع فناوری سلول بنیادی	۱۰۷
مبحث دوم: وظایف سازمان ها، نهادهای مدنی و اجتماعی در قبال خون بند ناف	۱۰۷
گفتار اول: تیم پیوند خون بندناف	۱۰۷
گفتار دوم: آزمایشگاه	۱۰۸
گفتار سوم: مراکز درمانی	۱۰۹
گفتار چهارم: دولت	۱۱۰
گفتار پنجم: دفاتر حقوقی	۱۱۲
بند اول: تعامل با مبادی ذیربط در جهت حل معضلات حقوقی دفاتر گیرنده خون بندناف	۱۱۲
بند دوم: توسعه فعالیت های بخش حقوقی در بانک های نگهداری سلول های بنیادی خون بندناف	۱۱۲
مبحث سوم: مسئولیت مدنی	۱۱۳
گفتار اول: مسئولیت مدنی ناشی از پیوند خون بند ناف	۱۱۳
مبحث چهارم: موضع نظام حقوقی ایران جهت اخذ سیاست کیفی در پژوهش های سلول های بنیادی	۱۱۵
مبحث پنجم: اصول حقوقی حاکم بر جرم انگاری سلول های بنیادی	۱۱۸

گفتار اول: اصل قانونی بودن اخلاق	۱۱۹
گفتار دوم: رضایت آگاهانه	۱۲۱
فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها	۱۲۲
الف) نتیجه گیری	۱۲۳
ب) پیشنهادهای تحقیق	۱۲۴
منابع و مأخذ	۱۲۶
الف) کتب فارسی	۱۲۷
ب) کتب عربی	۱۲۸
ج) مقالات	۱۳۰
د) قوانین	۱۳۱
چکیده انگلیسی	

چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی وضعیت مالکیت سلول‌های بنیادی خون بند ناف از منظر فقه و حقوق می‌باشد. پژوهش حاضر طی یک مطالعه توصیفی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، با مطالعه کتب، مقالات و تحقیقات سایر پژوهشگران و مراجع علمی معتبر به بررسی موضوع پرداخته است. با مطالعاتی که صورت پذیرفت این نتیجه حاصل شد که خون بند ناف پس از تهیه، دارای ارزش و مالیت فراوان خواهد بود. از این رو خرید و فروش آن دارای اعتبار و امضای شارع قرار می‌گیرد، نجاست یا دگر عناوین منطبق شده نمی‌تواند از ارزش آن بکاهد و آن را به شیء بی‌ارزش و غیرقابل معامله تبدیل نماید. اعراض اولیای طفل سبب می‌شود تا پزشک یا کادر مربوطه بتوانند اقدام به جمع‌آوری و ذخیره‌سازی خون بند ناف نمایند.

واژه های کلیدی: خون، بندناف، سلول‌های بنیادی، مالکیت، فقه، حقوق.

فصل اول:

مقدمه

۱- مقدمه

رشد دانش بشری همواره پدیده ای مثبت و مفید تلقی شده، اما غالباً خالی از مشکلات و موانع و دغدغه های غیرعلمی نبوده است. پیشرفت های علمی، معمولاً سؤالاتی را از باب چگونگی، مباحث اخلاقی و مذهبی مطرح می کند. به موازات پیشرفت این تکنولوژی بشر با مشکلات عدیده ای مواجه می شود که می تواند کرامت انسان را خدشه دار نماید. حفظ کرامت بشر، احترام و التزام به آن یکی از اصول بنیادین ادیان الهی و اسناد بین المللی حقوق بشر بوده و بهره مندی از فضیلت های ارزشمند اخلاقی و الهی به منظور فراهم نمودن زمینه های رشد و تعالی بشر منحصر در پرتو حفظ حقوق اولیه و توجه به اصل کرامت ذاتی بشر میسر است^۱ نگرانی روزافزون جامعه بشری در خصوص ضرورت تضمین سازگاری چنین پیشرفت هایی با معیارهای کلی حقوقی و اخلاقی ناظر بر حمایت افراد در برابر نادرست از فناوری های نوین، مباحث بسیاری را در میان حقوق دانان، فلاسفه، اندیشمندان اخلاقی و متفکران مذهبی موجب شده است.^۲

سلول های بنیادی رویانی از طرفی به دلیل آن که با عدم تمایز خود امکانات بیشتری برای درمان بیماریهای مختلف در اختیار جامعه پزشکی قرار می دهند، مطلوبیت بیشتری دارند. از سوی دیگر با توجه به این که استخراج سلول های بنیادی جنینی، الزاماً با تخریب رویان همراه خواهد بود، مباحث و اختلاف نظرهای زیادی را پیش می آورد و موضع گیری های مخالف اخلاقی دینی و گاه مخالفت های احساسی در این خصوص در گستره عمومی وجود دارد. این موضوع طوفانی از مذاکرات پارلمانی درباره شرایط، بایدها

^۱ پورابراهیم، احمد، ایرج گلدوزیان، احمد رضانی، مریم مرادی. (۱۳۹۸). رویکردهای فقهی حقوقی در قبال فناوری سلول های بنیادی، ص ۳۸.

^۲ شیراوی، مهسا. (۱۳۹۱). لزوم حذف کرامت زیستی جنین آزمایشگاهی در پرتو اسناد اخلاق زیستی، مجله اخلاق پزشکی، دوره ۴، شماره ۱۱. ص ۱۳۸

و نبایدهایی که از لحاظ اخلاقی و قانونی توجیه کننده باشد، به وجود آورده است. افزون بر این، استفاده از سلول های بنیادی جنینی با طیف گسترده ای از ابهامات و معضلات از جمله سودجویی های مالی احتمالی، استثمار زنان برای دریافت تخمک، تجارت انسان و اعضای بدن، تهدیدات بیولوژیک و غیره مواجه است. بدون شک، رفع موانع اخلاقی موجود در مسیر فناوری های جدید علمی در یک کشور، نیازمند تدوین قوانین مرتبط و مطابق با اصول اخلاقی قید شده در راهنماهای بین المللی و سازگار با باورهای دینی و فرهنگی مردم آن کشور است تا با ارزیابی و تطبیق نظریه های اخلاقی و اصول حاکم بر آن بایدها و نبایدهای این حوزه سامان یابد^۱

با عنایت به این امر که ممنوعیت استفاده درمانی از سلول های بنیادی رویانی فقط در کشورهایی وجود دارد که قانون یا مقرره ای در خصوص ممنوعیت استفاده از آن به تصویب رسیده باشد، اتخاذ سیاست مشخص و تصویب قوانین لازم در این خصوص می تواند باعث تقویت تمامی قوانین و مقررات مرتبط با حمایت از کرامت انسانی در تحقیقات علمی شود. در این خصوص لازم است تمام جوانب امر از تجویز استفاده از این سلول ها گرفته تا روند استفاده از آن ها، نظارت بر این مراحل و حفظ کرامت افراد، در نظر گرفته شود^۲

در اکثر جوامع امروزی همگام با پیشرفت های نوین علمی و فنی، قانونی متناسب با آن تدوین و به اجرا گذاشته می شود، ولی در ایران متأسفانه اینگونه نبوده و غالب مسائل مستحدثه فاقد قوانین موضوعه هستند. مطابق قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی هر گاه در مورد مسأله ای حکمی وجود

^۱ - رهبرپور، محمدرضا. (۱۳۹۳) مبانی فقهی ممنوعیت و جرم انگاری در قلمروی اخلاق زیستی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ص ۱۲۳.

^۲ - خورشیدی، علی، ابوالفتح خالقی. (۱۳۹۳) ضرورت اتخاذ سیاست کیفری برای تضمین حقوق آزمودنی در تحقیقات غیردرمانی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۸، شماره ۲۹، ص ۵۷.

نداشته باشد باید به منابع معتبر اسلامی یا اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، رجوع کرد. گر چه به طور کلی رویکرد فقه شیعیه مانع انجام این پژوهش ها نیست و حتی رویکرد ارفاقی به شمار می آید و این تحقیقات مورد حمایت است. اما باید اقدام به تدوین قانون یا مقرره ای در این خصوص شود و نظریه این که قوه قضاییه به طور مستمر با مشکلات غیرقابل پیش بینی مواجه می شود. ضروری است متخصصان به این موضوع بپردازند. پژوهش مروری با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی طی مطالعه کتب، مقالات و تحقیقات سایر پژوهشگران و مراجع علمی معتبر به بررسی موضوع پرداخت. در این پژوهش سعی شد ضمن مرور مختصر چالش های فقهی و حقوقی در خصوص وضعیت مالکیت سلول های بنیادی خون بند ناف بررسی شود..

۲- بیان مسأله

امروزه با توجه به گسترش دامنه نیازهای فقهی و مسائل نوپیدا در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، پزشکی، اقتصادی، حقوقی و سایر موارد، لزوم تجدید نظر در کیفیت دریافت های موضوعات و شناخت آنها را ملموس و آشکار می سازد. اندک توجه به موضوعات جدید پیش رو در عرصه های مختلف نشان می دهد که بدون ورود به علوم دیگر، موضوع شناسی به صورت کامل و دقیق صورت نخواهد گرفت. یکی از موضوعات نوپیدا در پزشکی که از منظرهای مختلف دارای اهمیت است، بانک خون بند ناف است. اگر تا چندی پیش تنها تعداد بسیار محدودی بانک خون بندناف در جهان راه اندازی شده بود، اما اکنون هر روزه بر دامنه گسترش آن افزوده می شود و به صورت پیوسته در کشورهای مختلف یکی از این مراکز افتتاح می گردد و فعالیت خود را آغاز می کند تا کنون در ایران نیز تعدادی بانک خون بند ناف آغاز به کار کرده اند و به نظر می رسد به سرعت با اطلاع رسانی گسترده در حال شکل گیری مورد استفاده بیشتر از سوی واجدان شرایط قرار گیرد.

بشر همواره سعی داشته است با اتکا به قدرت تفکر و خلاقیت خود و در نتیجه به کارگیری تکنولوژی نوین و روشهای علمی مدرن در بهره‌برداری از طبیعت زندگی را برای خود مطبوع و لذت بخش ساخته و گره‌هایی را که سابقاً عاجز از گشودنش بوده، باز نماید. لیکن در برخی از موارد مشکلات جدیدی را به وجود آورده که از عرضه سلامت و بهداشت و محیط زیست پا را فراتر گذارده به حیطه باورهای مذهبی و روابط حقوقی میان انسان‌ها گام نهاده است. پرواضح است که پیشرفت تکنولوژی و خلق روش‌های مدرن، قوانین و مقررات ویژه‌ای را طلب می‌کند تا از ایجاد هرج و مرج در جوامع جلوگیری نماید. یکی از نشانه‌های پیشرفت در زمینه پزشکی پیوند خون بندناف است. فرآیند تهیه و پیوند خون بند ناف نیز همچون سایر دستاوردهای بشری، عوارض و مشکلات عدیده‌ای را به دنبال داشته که اکنون پس از گذشت حدود ۲۸ سال از اولین پیوند خون بندناف همچنان علما فقه، حقوق و اخلاق پاسخ مناسبی برای متقاضیان ارائه نکرده و در اکثر کشورهای جهان قانون مدنی جهت این امر مهم و حیاتی وضع نشده است.^۱

مسأله پیوند خون بندناف انسان که موضوع بررسی و تحقیق در این نوشتار است یکی از پدیده‌های نوینی است که با شکوفایی دانش پزشکی پا به عرصه هستی نهاده و به تبع منشأ ایجاد مسائل مختلف حقوقی شده است و به دلیل آنکه این موضوع یکی از موضوعات نوین است، متأسفانه در حقوق مدون و قوانین موضوعه ایران سخنی محکم و قابل دفاع از آن به میان نیامده است.^۲

با پیشرفت علم پزشکی و روشن شدن نقش سلول‌های بنیادی موجود در بندناف در درمان بسیاری از بیماری‌ها و ارزش مالی این سلول‌ها که از رهگذر نقش درمانی خود پیدا کرده‌اند، تعیین مالکیت این

^۱- آذریان قهفرخی، مرتضی. (۱۳۹۷). وضعیت حقوقی فقهی خون بند ناف انسان، سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، ص ۸۰.

^۲- پورابراهیم، احمد، منبع پیشین، ص ۴۳.

سلول‌ها به یکی از چالش‌های نوظهور در عرصه مباحث فقهی تبدیل شده است. با این همه و با گذشت چندین سال از ورود این تکنیک درمانی به ایران و تأسیس بانک‌های فریز سلول‌های بنیادی، پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. نبود پژوهش در این موضوع علاوه بر تأثیری که در عدم شفافیت دلایل احتمالی نظریه‌ها داشته، سبب عدم تولید ادبیات پژوهشی در این موضوع هم شده است.

یکی از مسائل جدید که از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است، مسأله روش جدید خون بندناف می‌باشد. مسأله خون بندناف ابتدا در مورد حیوانات انجام شد و کم‌کم در مورد انسان هم انجام شد و نتایج مثبتی داشت. این مسأله فقط از جنبه فقهی حقوقی اهمیت ندارد و چه بسا جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی آن مهمتر از جنبه حقوقی و فقهی آن باشد. عمل حقوقی در اختیار قرار دادن خون بندناف از سوی صاحب یا صاحبان آنها به مؤسسه یا کلینیک مربوطه و قرارداد خصوصی موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی قابل تطبیق است که هر کدام از اینها آثار حقوقی مخصوص به خود دارد.^۱

نحوه ارتباط مالی بین دهنده و گیرنده عضو یکی از مهمترین مسائل مربوط به پیوند اعضاست. در بسیاری از کشورهای جهان وجود هرگونه رابطه مالی بین طرفین به‌صراحت در قوانین مربوط به پیوند اعضا ممنوع اعلام شده است. در کشور ما نیز گرچه عقیده بر ممنوعیت معامله اعضای بدن است، اما قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد. بنابراین باید با توجه به قوانین حاکم و مدد از فقه پویا به بررسی صحت و سقم آن پردازیم. اولین مسأله‌ای که در انجام هر معامله‌ای مد نظر قانون‌گذار بوده، وجود رابطه قانونی بین فرد و موضوع معامله است، پس ابتدا باید نحوه ارتباط انسان با اعضای بدن مشخص شود، سپس شرایط عمومی صحت معاملات که عبارتند از قصد، رضا و اهلیت مورد بررسی قرار گیرد.

^۱ - میلانی، امیرمهاجر. (۱۳۹۶). مالکیت سلول‌های بنیادی موجود در خون بند ناف، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۳، شماره ۳.

به طوری که اشاره شد با توجه به نبود پیشینه پژوهش در این موضوع، دیدگاه بسیاری از فقیهان امامی معاصر و سایر اندیشمندان اسلامی در دسترس نیست؛ ولی در هر حال با استفاده از برخی استفتائات تا حدودی مشکل پیش گفته مرتفع شده است. به باور آقایان فاضل لنکرانی، منتظری، سیستانی و زنجانی، خون بند ناف و محتویات آن متعلق به مادر؛ بوده و هر گونه تصرف در آن به احراز رضایت مادر منوط است.

در مقابل آقای گرامی بر آن است که این خون اختصاصی به مادر ندارد و نوزاد نیز در آن سهیم است. ایشان در ادامه تأکید دارد که تصرف نوزاد مانند سایر تصرفات مالی او از طریق ولایت شرعی خواهد بود. دیدگاه سوم نیز از آقای مظاهری قابل استفاده است. ایشان در پاسخ به سؤالی که درباره جواز اخذ خون بند ناف، ذخیره کردن و مالک آن است، می نویسد: «آنچه نوشته‌اید با اجازه ولی نوزاد و اجازه حاکم شرع جایز است. مشروط بر آنکه مضر برای نوزاد نباشد» از این عبارت به خوبی استفاده می‌شود که به باور ایشان، نوزاد مالک خون بند ناف است. باید توضیح داد که برخی فقیهان پیش گفته مانند آقایان منتظری و لنکرانی در پاسخ به سؤال تحقیق حاضر از واژه متعلق به زائو، برخی دیگر مانند آقایان زنجانی و گرامی از واژه مالک و در نهایت آقای سیستانی از حق تصرف استفاده کرده‌اند. این اختلاف تعبیر، شاید از تفاوت دیدگاه آنان در اصل مالکیت انسان نسبت به اعضای خود نشأت گرفته باشد، زیرا به باور برخی هر چند انسان به صورت کاملاً روشنی بر اعضای خود سلطنت دارد، با نظر به عقلایی نبودن مالکیت انسان نسبت به اعضای خود، نمی‌توان انسان را مالک اعضای خود دانست. البته صاحبان این دیدگاه تأکید دارند که مقوم نقل و انتقال‌های اعتباری همانند بیع مالکیت اعتباری نبوده و اصل سلطنت در این امور کافی است^۱. روشن است که با قبول این دیدگاه هر چند به اصل پژوهش حاضر خللی وارد نمی‌شود، تعبیر به مالکیت جنین یا

^۱ - مؤمن قمی، محمد. (۱۴۱۵ق). کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، قم، مؤسسه نشر اسلامی. ص ۱۳.